بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[مفاهیم 2](#_Toc428469406)

[مرور گذشته 2](#_Toc428469407)

[تمایز دلالت مفهومی از سایر دلالت‌ها 2](#_Toc428469408)

[جواب 2](#_Toc428469409)

[وجه اول: نظر آیت‌الله نائینی (ره) 2](#_Toc428469410)

[اشکالات نظر آیت‌الله نائینی 3](#_Toc428469411)

[وجه دوم: نظر مرحوم آخوند (ره) 3](#_Toc428469412)

[اشکال به نظر آخوند (ره) 4](#_Toc428469413)

[اشکال اول 4](#_Toc428469414)

[جواب اشکال اول 4](#_Toc428469415)

[اشکال دوم 4](#_Toc428469416)

# مفاهیم

# مرور گذشته

بحث ما در مورد مفاهیم است. قبل از اینکه وارد مفاهیم بشویم، مقدماتی را عرض کردیم.مقدمه‌ی سوم این بود که مرزها و تقسیم‌بندی‌های دلالت التزامی و عقلی را تشخیص بدهیم.با توجه به آنچه در مباحث مقدماتی عرض کردیم به این می‌پردازیم که تمایز دلالت‌های مفهومی چیست؟ چه چیزی وجود دارد که دلالت، مفهومی می‌شود.

# تمایز دلالت مفهومی از سایر دلالت‌ها

در مقدمه سوم، یک بحث مقدماتی را بررسی کردیم که در حقیقت دلالت التزامی و ابعاد و انواع دلالت التزامی صحبت‌هایی کردیم. اکنون به سؤالی می‌پردازیم که می‌گوید که وجه تمایز دلالت مفهومی از سایر دلالت‌ها چیست؟

بر اساس مطالبی که شهید صدر (ره) مشی کرده‌اند، عرض می‌کنیم که:

## جواب

در پاسخ به این سؤال راه‌حل‌ها و وجوهی ذکر شده است:

## وجه اول: نظر آیت‌الله نائینی (ره)

وجه تمایز این است که لزوم در اینجا به معنای بین به معنی الاخص است. اینجا مدلول التزامی است.

همان‌طور که می‌دانید ما کاوش زیادی نمی‌کنیم برای اینکه ببینیم چه کسی چه می‌گوید. مشی ما این نیست که ببینیم چه کسی چه می‌گوید.

ایشان می‌گویند: مفاهیم جزء مدلول‌های التزامی است و مدلول التزامی نیز یعنی لزوم بین به معنای خاص. به خلاف بحث ضد و امثالهم، مطالب با امور عقلی استنباط می‌شود. درنتیجه تفاوت مفاهیم با ملازمات عقلی در همین نکته است که لزوم به معنای خاص است.

## اشکالات نظر آیت‌الله نائینی

این وجه جامع‌ومانع نیست. ایشان می‌خواهند بفرمایند که ملاک باب مفاهیم این نکته است. این ملاک باید مانع اغیار باشد از طرفی جامع افراد باشد و تمام مفاهیم را دارا باشد.

جامع نیست زیرا در ادله‌ای که برای مفاهیم می‌آوریم، بعضی لزوم به معنای اخص را درست می‌کند و خیلی از این استدلالت است که لزوم بین به معنای اخص را درست نمی‌کند. بعضی از استدلالاتی که بر مفهوم شده است، استدلالات عقلی است. از مقدمات عقلی استفاده کرده است. برجسته‌ترین این نمونه عبارت است از : کسی از قاعده الواحد لا یصدر منه الا الواحد بخواهد برای اثبات مفهوم استفاده بکند. در اینجا لفظ ظهور ندارد بلکه یک مقدمه عقلی خارجی است. بعضی گفته‌اند این خروج از بحث است. و این امر درست نیست، هر کسی استدلالات چیزی را معنا می‌کند. بعضی از استدلالات لزوم بین به معنا اعم را درست می‌کند. بعضی از استدلالات حضور غیر بین را اثبات می‌کند.

وقتی به طیف از مفاهیم و استدلالات مراجعه می‌کنیم، به خوبی خواهیم یافت که همه این موارد نتیجه لزوم بین به معنای اخص نمی‌دهد. این اشکال اول است.

اشکال دوم این است که مانع اغیار نیست. برای اینکه مدلول‌هایی وجود دارد که به معنای اخص هستند ولی مفهوم نیستند. تمام مدلول‌های التزامی که در آیات آمده‌اند، به معنای اخص هستند ولی مفهوم نیستند. بعضی از مفاهیم بنا بر بعضی از مبانی،‌لزوم بین به معنای اخص است. البته این همیشگی نیست.

## وجه دوم: نظر مرحوم آخوند (ره)

وجه دوم این است که مرحوم صاحب الکفایة می‌فرماید: مفاهیم مدلول‌های التزامی با یک واسطه است. یا بهتر است بگوییم مدلول‌های التزامی دو مرحله‌ای است.

این حرف،‌دقیق است. ایشان می‌گویند مفاهیم را از ملازمات عقلیه جدا کردیم به خاطر اینکه ما در اینجا به مدلول التزامی با یک واسطه می‌رسیم. مثلاً اگر خورشید طلوع کرد، روز موجود است. این مدلول مطابقی جمله شرطیه است. ترتب تالی بر مقدم، مدلول مطابقی است. مدلول مطابقی خصوصیتی را افاده می‌کند که مدلول التزامی است. مدلول التزامی این است که شرط علت انحصاری آن است. این علیت انحصاری مدلول درجه بعدی است. این علیت انحصاری می‌گوید اگر این نبود، نوع حکم هم نیست. بنابراین ابتدا مدلول مطابقی بوده است، این یک ویژگی را افاده کرده است. آن ویژگی مدلول التزامی را درست کرده است.

### اشکال به نظر آخوند (ره)

در اینجا شهید صدر اشکال کلی به این نظر گرفته‌اند:

### اشکال اول

1.جامع افراد نیست. در مفهوم موافقه و فحوی و اولویت زمانی که می‌گوید به پدر و مادر اف نگو، به‌طریق‌اولی فکر می‌کنیم که نباید بزنیم. یا مثلاً با لباس زیرشلواری بیرون نروید، به‌طریق‌اولی می‌فهمیم که با شرت بیرون نرویم. این مدلول فحوا و اولویت از خصوصیت لفظ استفاده نکرده است.

#### جواب اشکال اول

البته این اشکال جواب دارد. درواقع، انتقال به اولویت یک واسطه می‌خورد. وقتی می‌گوییم به پدر و مادر اف نگو، زمانی می‌تواند ما را به لا تضرب برساند که بدانیم جمله اول ملاکی دارد، آن ملاک اصل است و این ملاک در آنجا به‌طریق‌اولی است. یعنی از این جمله یک خصوصیتی را درآوردیم و بعد آن را حاصل کردیم.

### اشکال دوم

2.در تمام تعابیر این شکل نیست. ممکن است کسی علیت انحصاری را نگوید. مانعیت اغیار نیز اشکال بعدی این نظر است. مثلاً مفهوم اشاره و اقتضاء این‌چنین است. گاهی می‌گوید که این جمله اگر درست باشد باید آن باشد و اگر آن جمله نیز درست باشد باید چیز دیگری باشد.